

۱۳۰۰/۰۰۰ نفر. اما آیا می دانید که کوچکترین شرکت کننده در بازیها جزیره «توالو» Tuvalu است که تنها ۱۲۱۷۷ تن جمعیت آن است و این سرزمین جزیره ای است در اقیانوس آرام در فاصله هاوایی و استرالیا که برای شرکت در بازیهای المپیک ثبت نام کرده و ورزشکار به آنجا فرستاده است.

کسب و کار پررونق

تا کوبرتانیسم جان داشت کسی جرأت نمی کرد که در برابر کمیته بین المللی المپیک حرفی از پول بزند. اما حضور تلویزیون در صحنه بازیها یکی از تیرهای خلاص به شقیقه کوبرتانیسم بود. به این معنی که با شروع بازیهای المپیک رم (۱۹۶۰) تلویزیونها چیزی در حدود ۱/۲۰۰/۰۰۰ دلار به این کمیته پرداختند تا حق استقرار دوربین های خود و پخش آگهی های تجارتي را به دست آورند.

۴۸ سال بعد، حالا در بازیهای ۲۰۰۸ پکن حق و حساب کمیته بین المللی المپیک ۱/۷۳۷/۰۰۰/۰۰۰ دلار بوده است. بازیها را کسب و کارهای پررونقی مثل کوکاکولا، کارت بانکی «ویزا» و دیگر فرآورده های سرمایه داری از کمیته بین المللی المپیک خریداری کرده است و ظاهراً روح رفیق مائو از این معامله با بیر کاغذی راضی است.

چند عدد؟

♦ برای بازیهای المپیک آتن در ۲۰۰۴ هزینه و ساختمان استادیوم، رکورد هزینه ها را تا آن روز شکست. یونانی ها با خرج کردن ۹/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار سر بالا گرفته بودند که این مائیم صاحبان اصلی بازیها با دست و دلبازی تمام. اما حالا چینی ها مبلغ ۴۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار خرج استادیومها و کارهای زیربنایی کرده اند؛ حتی شمارش صفرها آسان به نظر نمی رسد.

♦ برای عرضه مدالهای قهرمانان در روی سکوها، معمولاً دخترانی روی صحنه ظاهر می شوند که مدالها را حمل می کنند و یکی از مقامات فدراسیون مربوط به آن مدال، مدالها را از سینی دست دختران بر می دارد و به گردن قهرمانان می آویزد. چینی ها به خاطر آن که معمولاً زنهای بلندقامتی ندارند جهت این کار اعلان کردند و دختران بلندقامتی را که حداقل قد آنها ۱/۷۰ متر است انتخاب کرده اند.

♦ در همین زمینه قانونی گذشته است که قهرمانان مردی که در بازیها شرکت می کنند اگر ۲۸ ساله نباشند اجازه ازدواج ندارند. خانمهای شرکت کننده هم باید ۲۶ ساله باشند.

♦ جمعیت ساکن محدوده شهر پکن در ماه آخر پیش از افتتاح بازیها ۱۶/۳۳۰/۰۰۰ تن بوده است. چینی ها اعلام داشته اند که از این تعداد ۱۴۹۰۱ تن را به خاطر تسهیلات و راهسازی و خیابان کشی از محل اقامت خود بیرون برده اند. در حالی که جمعیت هوادار حقوق بشر این تعداد را ۱/۵۰۰/۰۰۰ اعلام داشته اند.

نمایند نجلا!

در نخستین ساعت شب، این چراغ رفته را خاموش تر کن من به سوی رخنه های شهرهای روشنایی راهبردم را بخوبی می شناسم، خوب می دانم من خطوطی را که با ظلمت نوشته اند و ندر آن اندیشه دیوار سازان می دهد تصویر دیرگاهی هست می خوانم. در بطون عالم اعداد بیمار در دل تاریکی بیمار چند رفته سالهای دور و از هم فاصله جسته که بزور دستهای ما به گرد ما می روند این بی زبان دیوارها بالا.

زمستان ۱۳۳۱

بد نیست بدانید که...

مهمانداران بازیها

از مجموع ۲۶ دوره بازیهای المپیک، قاره های جهان بدین گونه سهم برده اند:

اروپا: ۱۵ بار

آمریکای شمالی: ۶ بار

آسیا: ۳ بار

اقیانوسیه: ۲ بار

قاره آفریقا و نیمه جنوبی قاره آمریکا هرگز مهماندار بازیهای المپیک نبوده اند. چنانچه سی امین دوره بازیها ۲۰۱۲ در شهر لندن برگزار شود، این شهر سه بار برگزار کننده بازیهای المپیک بوده است؛ ۱۹۰۸، ۱۹۴۸، ۲۰۱۲.

رشد سریع بانوان در المپیک ها

در اولین دوره بازیهای المپیک ۱۸۹۶ (آتن)، هیچ زنی در بازیها شرکت نداشت. دوره دوم بازیها در پاریس با حضور ۲۱ زن که جمعاً ۱/۹ درصد شرکت کنندگان را تشکیل میدادند برگزار شد. در آخرین دوره بازیها ۲۰۰۴ در آتن، ۴۳۰۵ خانم ورزشکار ۴۰/۸ درصد کل شرکت کنندگان را تشکیل می دادند.

از ۴۳ ماده مسابقه تا ۳۰۲ ماده

اولین دوره بازیهای المپیک ۱۹۸۶ تنها با ۴۳ ماده مسابقه برگزار گردید در حالی که در المپیک پکن ۳۰۲ ماده ورزشی یعنی ۳۰۲ مدال طلا مورد رقابت است و این در حالی است که تعداد کشورهای شرکت کننده در اولین دوره بازیهای ۱۴ ملت و در آخرین دوره بازیهای آتن ۲۰۱ ملت بر شمرده شده است.

کوچکترین کشور روی زمین

می دانیم پرجمعیت ترین کشوری که در بازیهای المپیک حضور دارد کشور مهماندار چین است با جمعیتی برابر ۱/۰۰۰

یادداشتهای بی تاریخ

از صفحه ۲۲



«بردگان ناتوانایی که می سازند دیوار بزرگ شهر را هر یکی زانان که در زیر آوار زخمه های آتش شلاق داده جان مرده اش در لای دیوار است پنهان»

آنی از این دلگزا اندیشه ها راه خلاصی را نمی داند زن چینی او روانش خسته و رنجور مانده است

با روان خسته اش رنجور می خواند زن چینی،

در نخستین ساعت شب:

«در نخستین ساعت شب هر کس از بالای ایوانش چراغ اوست آویزان همسر هر کس به خانه باز گردیده است الا همسر من که ز من دور است و در کار است

زیر دیوار بزرگ شهر.»

در نخستین ساعت شب، دور از دیدار بسیار آشنا من نیز در غم ناراحتیهای کسانم؛

همچنانی کان زن چینی

بر زبان اندشته های دلگزایی حرف می راند،

من سرودی آشنا را می کنم در گوش

من دمی از فکر بهبودی تنها ماندگان در خانه هاشان نیستم خاموش و سراسر هیکل دیوارها را در پیش چشم التهاب من

جابلقا و جابلسا کجاست؟ که حکیم غزنوی به آن اشاره دارد و این اسکندر ستوده در دین در این که ذوالقرنین است چه ربطی دارد با آن اسکندر که «تائیس» مست هوسباز پر شانه اش پا می نهد و آتش در کاخ بازار گاد می زند و بعد آیا این شیخ عمابه بسر توسعه طلبی که سد «سیوند» را ساخته تا باقیمانده آن بنای بلند آبروی تاریخی ما زیر آب برود، فرزند حرام زاده و تخم مول آن اسکندر و تائیس نیست؟

دیوار را تصویر می کنند و جمعی با لباس زرد روی چمن سبز خم و چم دیوار را به تماشا می گذارند. چند سال پیش قصه ای از کارهای گذشته ام را در همین صفحه چاپ کردم با عنوان «دیوار دل». این قصه را یک استاد باستان شناس فرانسوی برایم حکایت کرده بود.

حالا دخترک های چینی همه می خندند بروی همه، و من به «دیوار» فکر می کنم دیواری که دل آدمها را از هم جدا می کند. مراسم حیرت انگیز افتتاح بازیها هم به قول مفسر سیاسی «ان.بی.سی» تعریفش همان قدر مشکل است که شما بخواهید برای یک کور رنگهای شاداب تابلوی «مونه» را تعریف کنید یا برای یک کر از زیر و بم پولونزه های شوین بگوئید.

حضور یک پسر نه ساله در بغل پر از مهر بلند قامت ترین بسکتبالیست چین و جهان چشم را خیره می کند. پسرک روز زلزله سه ماه پیش مبصر یک کلاس در یک دبستان بوده و دو همشاگردیش را با احساس مسئولیت اینکه مبصر است از زیر آوار زنده بیرون کشیده است.

لبخند معصومانه و مغرورانه او به شما می گوید که انسان است و بیدار است و جریان دارد و باز آن دیوار پیچ می خورد و می چرخد و باز و بسته می شود و تداوم دیوار تداوم ساهلاست و ناگهان از گوشه ای دور، صدایی بر می خیزد، صدا را می شناسم نیماست.

آری این نیماست که در سالهایی دور و از هم فاصله جسته ناگهان به دیوار فکر کرده است. با فصاحت تمام از آن حرف زده است. من بر خلاف نظر استاد عزیز و بزرگوارم دکتر پرویز ناتل خانلری که معتقد بود نیما یک شاعر الکن است بر این باورم که پیر یوش افصح شاعران روزگار ما بوده است با فکری گسترده تر از اندازه های فکر ما. دیوار زرد در چمن سبز پیچ و تاب می خورد و نیما در برابرم به حوصله و ریشخند و زهرخند می خواند:

در نخستین ساعت شب

« نیما یوشیچ»
در نخستین ساعت شب، در اطاق چوبیش تنها، زن چینی در سرش اندیشه های هولناکی دور می گیرد، می اندیشد:

آریا



رستوران



هفت روز هفته
ناهار و شام



با ۱۸ سال سابقه در رستوران های «اورنج کانتی» و برگزاری جشن ها و میهمانی ها و با داشتن

دو سالن «Banquets» و کادر مجرب آماده برگزاری میهمانی های شما با بهترین کیفیت

مکانی متفاوت، گرم، دوستانه و خانوادگی با غذاهای دلپذیر ایرانی و ایتالیایی پذیرای شما و میهمانان عزیزتان می باشیم

Lunch Special

M-F 11:00 to 3:00

با قیمت مناسب و سرویس عالی (با گوشت حلال)

سفارش غذا از بهترین مواد سالم و تازه تهیه شده.

For Any Occasion ♦ Call For Take Out

Live Music & belly Dancing on
Fridays & Saturdays

برای گرفتن اطلاعات و رزرو جا لطفاً با ما تماس بگیرید.



خواننده معروف ایتالیایی Pasquale

(۴۰۸)۹۹۶-۹۶۰۶

19930 Stevens Creek Blvd., Cupertino, CA 95014
www.aryarestaurant.com

(408)996-9606